

[نظر صاحب منتقی در مورد علم اجمالی به کذب یکی از دو روایت 1](#_Toc6636539)

[مناقشه: ملاک حجیت در هر دو هست 2](#_Toc6636540)

[پاسخ از مناقشه: علم به کذب، مانع از حجیت است 2](#_Toc6636541)

[مناقشه در اخیر: علم تفصیلی مانع است، نه اجمالی 2](#_Toc6636542)

[شاهد 2](#_Toc6636543)

[نتیجه 3](#_Toc6636544)

[الحاق محقق نائینی 3](#_Toc6636545)

[مناقشه به الحاق 3](#_Toc6636546)

[بررسی لزوم قید«حقیقه او عرضا» بر اساس تعریف مختار 4](#_Toc6636547)

[امر ثالث در مقدمه تعارض ادله: فرق تعارض با تزاحم 4](#_Toc6636548)

[خلاصه جلسه 5](#_Toc6636549)

**موضوع**: ادامه بررسی علم اجمالی به کذب احدهما /مقدمه بحث تعادل و تراجیح /تعادل و تراجیح

**خلاصه مباحث گذشته:**

عرض شد که مرحوم آخوند در مقام تعریف، قید «حقیقة او عرضا» را اضافه کرد تا مواردی را که علم اجمالی خارجی به کذب یکی از دو روایت موجب تعارضشان شده است دربر بگیرد؛ مثل تعارض دلیل وجوب نماز ظهر و جمعه یا موارد تعارض دلیل وجوب نماز قصر و تمام. لکن صاحب منتقی به نقل از محقق نائینی فرمود که مطلق موارد علم اجمالی مذکور از قبیل اشتباه حجت با لاحجت است نه تعارض. ما عرض کردیم که این استناد درست نیست و محقق نائینی اتفاقا با ذکر مثال نماز ظهر و جمعه فرموده است که این از قبیل تعارض است.

# نظر صاحب منتقی درمورد علم اجمالی به کذب یکی از دو روایت

صاحب منتقی بعد از بیان نظر محقق نائینی نظر خودش را این­گونه بیان کرد[[1]](#footnote-1) که اگر علم به کذب خبری[[2]](#footnote-2) داشتیم تعارض است و اگر علم به کذب مخبری[[3]](#footnote-3) داشتیم از قبیل اشتباه حجت با لاحجت است.

## مناقشه: ملاک حجیت در هر دو هست

اشتباه حجت با لاحجت در صورتی است که یکی از دو روایت حجّت نباشند. لکن در موارد علم به کذب مخبری اگرچه می­دانیم که یکی از دو راوی در این نقل دروغ گفته است ولی هر دو از وثاقت(که شرط حجیت روایت است و محقق نائینی هم آن را فرموده است[[4]](#footnote-4)) برخوردارند. وثاقت یعنی این که در نوع موارد احتراز از کذب داشته باشد.

### پاسخ از مناقشه: علم به کذب، مانع از حجیت است

وثاقت راوی در صورتی موجب حجیت روایت می­شود که علم به کذب إخبار فعلی او نداشته باشیم. لکن در مورد بحث ما علم اجمالی به کذب احدهما دراخبار فعلی او داريم ، لذا یکی از دو روایت، واجد شرط حجیت است و دیگری فاقد آن. در نتیجه موارد علم به کذب مخبری از موارد اشتباه حجت با لاحجت است.

#### مناقشه در اخیر: علم تفصیلی مانع است، نه اجمالی

 آنچه ازشرائط حجيت خبر است عدم علم تفصيلی به کذب مخبر دراخبارش است نه عدم علم اجمالی ولذا علم اجمالی به کذب مخبری موجب نمی شود يکی از دوخبر فاقد شرط حجيت باشد .

##### شاهد

همانطور که ازجهت صدق وکذب خبری ومطابقت وعدم مطابقت مضمون خبربا واقع چیزی که مانع از حجیت اماره است علم تفصیلی به واقع است[[5]](#footnote-5)، یعنی مثلا بدانیم که همین روایت الف کذب است. اما اگر اجمالا بدانیم که یکی از دو روایت کذب است در هر کدام به تنهایی شرایط حجیت وجود دارد. لذا هر دو روایت حجتند و مورد از موارد اشتباه حجت با لاحجت نیست.

ولذا در تعارض «یجب صلاه الجمعه» با «لایجب صلاه الجمعه» ،که از موارد مسلّم تعارض است، با اين که علم اجمالی به کذب خبری وجود دارد(زیرا رابطه بینشان تناقض است و صدق نقیضین ممکن نیست) ولی کسی قائل نیست که این علم اجمالی به کذب یکی از دو دلیل موجب سلب حجیت از احدهما شده و مورد از موارد اشتباه حجت با لاحجت است، بلکه همه قائل به جریان تعارض بین این دو دلیلند.

 همينطور هم ازجهت کذب مخبری آنچه که مانع ازحجيت خبراست علم تفصيلی به کذب مخبردر اخبار خاص می باشد نه علم اجمالی ،ودرموارد علم اجمالی به کذب مخبری دراحدالخبرين چون هرکدام از دوخبر را که ملاحظه کنيم علم به کذب مخبر درآن نداريم لذا هردوخبرشرائط حجيت رادارند (درحدّ اقتضاء) هرچند حجيت فعلی هردو ممکن نيست .

## نتیجه

تمام موارد علم اجمالی به کذب خبری یا مخبری، از موارد تعارضند نه از موارد اشتباه حجّت با لاحجت(کما این که محقق نائینی فرمود).

# الحاق محقق نائینی

محقق نائینی فرمود که اشتباه حجّت با لاحجت در صورتی است که یکی از دو روایت شرایط حجیت را نداشته باشد[[6]](#footnote-6)؛ مثلا اگر علم داشته باشیم که راوی یکی از دو روایت اصلا ثقه نیست. لکن ایشان در ادامه موردی را به این **ملحق کرد** و فرمود[[7]](#footnote-7) در صورتی که **علم اجمالی به عدم تشریع مودای یکی از دو دلیل** داشته باشیم با این که **امکان ثبوتی تشریع مودای هر دو وجود دارد این ملحق به موارد اشتباه حجت با لاحجت است** که باید بر اساس قواعد تنجیز علم اجمالی در مورد آن عمل شود؛ مثلا دلیلی بر وجوب دعا هنگام دیدن هلال دلالت کند و اماره­ای دیگر دال بر وجوب دیه حر در قتل عبد مدبّر باشد و ما **اجمالا علم داریم که یکی از این­دو در عالم ثبوت منتفی است**.

سپس محقق نائینی در مقام نتیجه­گیری فرمود که برای **تعارض** دو شرط وجود دارد:

* هر دو دلیل دارای شرایط حجیّت فی نفسه باشتد؛
* دو دلیل در عالم ثبوت قابل جمع نباشند.

## مناقشه به الحاق

محقق عراقی به ایشان در این الحاق اشکال کرد[[8]](#footnote-8)، به این بیان که محقق نائینی در مورد «صلِّ الظهر» و «صلِّ الجمعه» تصریح کرد که این از موارد تعارض است، **با این که این دو حکم در عالم ثبوت قابل جمع بودند** و صرفا علم اجمالی به عدم تشریع هر دو موجب می­شد که بینشان تعارض شود[[9]](#footnote-9). در این موردی که ایشان ملحق به موارد اشتباه حجت با لاحجت کرده است هم دقیقا این اتفاق افتاده است؛ یعنی دو دلیل(وجوب الدعا عند رویت الهلال و وجوب دیه الحر فی قتل العبد المدبّر) در مقام ثبوت قابل جمعند و تنها چیزی که مانع از التزام به جعل هر دو است، علم اجمالی به عدم وجوب هر­دو است. پس فرق گذاشتن بین این دو وجهی ندارد و این که این­ها از دو سنخ مختلفند قابل دفاع نیست.

پس معلوم شد که مرحوم نائینی در بعضی موارد علم اجمالی به کذب احد الدلیلین(مثل دلیل وجوب نماز جمعه و دلیل وجوب نماز ظهر) قائل به تعارض شد و در برخی موارد آن (که دو دلیل در دو مورد مختلف با دو حکم مختلفند) قائل به الحاق به موارد اشتباه حجت با لاحجت شد، لکن در اخیر مورد نقد قرار گرفت.

# بررسی لزوم قید«حقیقه او عرضا» بر اساس تعریف مختار

غرض مرحوم آخوند از اضافه کردن قید «حقیقه او عرضا» این بود که مواردی مثل تنافی ادله وجوب نماز ظهر و وجوب نماز جمعه را داخل در تعریف کند، زیرا این­ها در واقع از موارد تعارضند. اما طبق تعریف مختار (که به­جای لفظ تنافی از لفظ اختلاف استفاده شد)، نیازی به قید مذکور نیست و این تعریف هم شامل تنافی دلیل نماز ظهر و جمعه می­شود و هم شامل موارد علم اجمالی به کذب مخبری احد الدلیلین، زیرا در موارد علم اجمالی مذکور مقتضای مطابقی هر یک از دلیلین با مدلول التزامی دلیل دیگر اختلاف دارد. پس اضافه کردن قید مذکور بنا بر تعریف ما ضرورتی ندارد بلکه با تعمیم دلالت به دلالت التزامی مشکل حلّ می­شود هرچند برای توضيح بيشتراضافه کردن آن مانعی ندارد .

# امر ثالث در مقدمه تعارض ادله: فرق تعارض با تزاحم

امر سوم از مقدمه در مقام بیان فرق بین باب تعارض و تزاحم است. وجه طرح این بحث این است که همان­طور که در موارد تعارض، تنافی بین دو دلیل در مقام وظیفه وجود داشت و مکلف نمی­داند که کدام­یک وظیفه اوست، در متزاحمین هم همین­گونه است و مکلف به دلیل این که قدرت بر امتثال هر دو تکلیف ندارد نمی­داند که کدام­یک را باید انجام دهد.

فرقی که نوع محققین از جمله مرحوم نائینی[[10]](#footnote-10) بیان کرده­اند این است که در باب تعارض، مضمون دو دلیل در مقام جعل وتشریع قابل جمع نیستند؛ یعنی امکان نداشتن جمع در مقام عمل به دلیل این است که در مقام ثبوت قابل جمع نیستند. ولی در تزاحم، دو تکلیف ثبوتا قابل جمعند و محذور فقط در مقام امتثال است.

# خلاصه جلسه

همه مواردی که دو دلیل حجّت باشند و علم به کذب احدهما داشته باشیم داخل در موارد تعارضند. علم اجمالی به کذب مانع حجّیت نیست. لکن طبق تعریف تعارض به «اختلاف الدلیلین» اصلا نیازی به قید مرحوم آخوند نیست، زیرا در تنافی بالعرض هم اختلاف بین دلیلین وجود دارد[[11]](#footnote-11).

1. [منتقی الاصول، سید محمد حسینی روحانی، ج7، ص281.](http://lib.eshia.ir/13050/7/281/%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82) [↑](#footnote-ref-1)
2. . یعنی می­دانیم مفاد یکی از دو روایت مطابق واقع نیست، با این­که می­دانیم هیچ­کدام از دو راوی عمدا دروغ نگفته­اند(استاد). [↑](#footnote-ref-2)
3. . یعنی می­دانیم که یکی از دو راوی علی­رغم وثاقتش، در این نقل دروغ گفته و مرتکب گناه شده است(استاد). [↑](#footnote-ref-3)
4. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج4، ص703. « الحاصل: أنّ ضابط تعارض الدليلين هو أن يؤدّيان إلى ما لا يمكن تشريعه‏ و يمتنع جعله في نفس الأمر و لكن بعد أن يكون كلّ منهما واجدا لشرائط الحجّيّة». [↑](#footnote-ref-4)
5. . علم تفصیلی به واقع چه موافق مفاد اماره باشد چه مخالف آن، مانع از حجیت اماره می­شود، زیرا اماره طریق به واقع است و با وجود علم به واقعی که ذی الطریق است، نیازی به حجیت طریق نیست(استاد). [↑](#footnote-ref-5)
6. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج4، ص703. «فلو علم بكذب أحد الدليلين لمكان العلم بكون أحدهما غير واجد لشرائط الحجّيّة و اشتبه بما يكون واجدا لشرائطها كان ذلك خارجا عن باب التعارض بل يكون من اشتباه الحجّيّة باللاحجّيّة، و لا يأتي فيه أحكام التعارض، و إنّما يعمل فيه ما تقتضيه قواعد العلم الإجمالي». [↑](#footnote-ref-6)
7. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج4، ص703. «و في حكم ذلك ما إذا علم بعدم تشريع مؤدّى أحد الدليلين مع إمكانه ثبوتا، كما إذا كان مؤدّى أحد الدليلين وجوب الدعاء عند الهلال و كان مؤدّى الآخر وجوب دية الحرّ في قتل العبد المدبّر و علم بكذب مضمون أحدهما، فانّه أيضا ليس من باب التعارض، بل من باب اشتباه الحجّة باللاحجّة، و يعمل على ما يقتضيه العلم الإجمالي». [↑](#footnote-ref-7)
8. [نهایة الافکار، آقا ضیاء الدین العراقی، ج4، ص127.](http://lib.eshia.ir/13053/4/127/%D8%A7%D9%84%D9%87%D9%84%D8%A7%D9%84) «(من غير فرق) بين اتحاد سنخ الحكم فيهما كما في المثال و عدم اتحاده، كما لو كان مؤدى أحد الدليلين وجوب الدعاء عند رؤية الهلال و كان مؤدى الآخر وجوب دية الحر في قتل عبد المدبر مع العلم بعدم تشريع أحد الحكمين (فانه) يدخل ذلك أيضا في باب التعارض بعين ملاك دخول مثال الظهر و الجمعة فيه من حيث إمكان تشريع كلا الحكمين ذاتا و امتناعه عرضاً (لا في باب) اشتباه الحجة بغيرها كما توهم بصرف عدم اتحاد سنخ الحكم فيهما». [↑](#footnote-ref-8)
9. . مدلول مطابقی هر کدام با مدلول التزامی دلیل دیگر که به جهت وجود علم اجمالی به وجود آمده بود، تعارض می­کرد(استاد). [↑](#footnote-ref-9)
10. . فوائد الاصول، محمد حسین نائینی، ج4، ص704. « حاصله: أنّ التزاحم و إن كان يشترك مع التعارض في عدم إمكان اجتماع الحكمين، إلّا أنّ عدم إمكان الاجتماع في التعارض إنّما يكون في مرحلة الجعل و التشريع، بحيث يمتنع تشريع الحكمين ثبوتا، لأنّه يلزم من تشريعهما اجتماع الضدّين أو النقيضين في نفس الأمر». [↑](#footnote-ref-10)
11. . خلاصه جلسه از مقرر است. [↑](#footnote-ref-11)